

جهاد سازندگی



■ جستاری در بیانات رهبر کبیر انقلاب در جمع جهادسازندگی ■

سورة الرحمن



مقدمه

در روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اختلاف طبقاتی بسیار زیاد میان زاغه نشینانی که حضرت امام (ره) از آنان به عنوان ولی نعمتان انقلاب یاد می‌نمودند با کاخ نشینانی که چیزی جز خرابی و ویرانی برای ملت ایران به ارث نگذاشته بودند، بیش از پیش درمقابل ملت و مسئولین نظام بروز می‌یافت. در این میان حرکت‌های خودجوش و جهادی دانشجویان نخبه دانشگاه‌های تهران در روستاها منشأ تصمیم مدیرانه رهبرکبیر انقلاب شد و ایشان به منظور حمایت از این دست فعالیت‌ها، برای رفع هر چه سریع تر و کارآمدتر محرومیت‌هایی که زاده‌ی خوشگذرانی شاهان دو قرن گذشته و چپاول سرمایه‌های ملی توسط بیگانگان بود، فرمان طرح جهاد سازندگی را صادر و در نهایت در ۲۷ خرداد ماه ۱۳۵۸ نهاد جهاد سازندگی به طور رسمی پا به منصف ظهور نهاد.

بدین ترتیب جوانان انقلابی، از اقشار مختلف جامعه گرد هم آمده و منسجم‌تر از قبل در قالب گروه‌های جهادی به سوی روستاها و مناطق محروم کشور شتافتند. جهادگرانی که قدم در این وادی نهاده بودند، موانع و مشکلات را تنها با توکل بر خدا و جهاد در راه او از سرراه خود برمی‌داشتند و خط مشی آنان برگرفته از کلام سراسر راه‌گشای امام خمینی (ره) بود. رهبری که این نوع فعالیت جهادگران را در شمار "بالاترین عبادت‌ها" می‌دانستند و قائل براین بودند که افرادی که دارای منشی برخلاف دستورات مبین اسلام و چهارچوب‌های انقلاب اسلامی هستند جواز قرار گرفتن در صف جهادگران جهادسازندگی را ندارند.

در ادبیات حضرت امام (ره) که جهاد سازندگی با عنوان "شمایل دنیای آزادی و استقلال درعرصه کار و تلاش و پیکار علیه فقر و تنگدستی و رذالت و ذلت" معرفی می‌گردد، خودجوش و مردمی بودن و تلاش برای تحقق امر خطیر خدمت‌رسانی به محرومین از برجسته‌ترین ویژگی این نهاد به شمار می‌رود.

جهاد سازندگی جز گام‌های بلند انقلاب اسلامی است که باید به قله‌های عالی اهداف آن برسد. از این رو نسل سوم جوانان مومن انقلابی این سرزمین که همیشه در عرصه‌های مهم و سرنوشت‌ساز نظام حضور بموقع، پویا و موثر داشته‌اند؛ چند سالی است که با تجهیز مجدد قوا و محتوا و با عزمی راسخ بار دیگر در راستای استمرار و احیا آرمان محرومیت‌زدایی و خدمت به محرومین در این نهاد، به عنوان چشم‌امید حضرت امام قدم در راه گذاشته و در قالب "اردوهای جهادی" به رفع محرومیت و خدمت به ولی نعمتان انقلاب در روستاها و مناطق محروم پرداخته‌اند.

در این راستا هسته توانمندسازی حرکت‌های جهادی به عنوان پشتیبان فکری و محتوایی این نوع اردوها همزمان با تغییر پیدا کردن نام معاونت سازندگی و کارآمدسازی به معاونت جهادسازندگی برآن شد تا با گردآوری بیانات حکیمانه معمار بزرگ انقلاب اسلامی ایران در جمع این سنگرسازان بی‌سنگر، به بازخوانی اهداف و ترسیم و تصحیح نقشه‌ی راه جهادسازندگی در قالب برگزاری اردوهای جهادی بپردازد. امید است این مجموعه و این توصیه‌های سراسر برکت، چراغ راه جهادگرانی باشد که در روزمرگی‌های خود هرگز از امرخطیر رسیدگی به محرومین و مستضعفینی که در راه مجاهدت برای شکل‌گیری نهال انقلاب همیشه پیش قدم بوده‌اند، غفلت نورزیده‌اند.

تشکیل جهاد سازندگی

ما در مشکلات باید متوسل بشویم به ملت. ملتی که - بحمدالله - مهیا برای کمک و فداکاری بوده و هستند. با فداکاری ملت - بحمدالله - مراحلی را که بسیار اهمیت داشت پشت سر گذاشتیم، موانع مرتفع شد، خائنین رفتند، و اگر تهمه‌ای هم باشد، با همت ملت خواهند رفت. لکن این دیوار شیطانی بزرگ که شکست، پشت آن دیوار خرابی‌های زیاد هست؛ و ما باید به همت ملت آن خرابیها را ترمیم کنیم. ناچاریم که به ملت متوجه بشویم برای سازندگی؛ برای اینکه ترمیم کنیم این خرابیها که در طول مدت حکومت جائر پهلوی در مملکت ما حاصل شده است. و - بحمدالله - ملت ما راجع به سازندگی، این مهیا بودن خودشان را اعلام کرده‌اند. دانشجوهای عزیز، متخصصین، مهندسین و بازاری، کشاورز، همه قشرهای ملت، داوطلب برای این است که ایرانی که به طور مخروبه به دست ما آمده است بسازند. از این جهت، باید ما بگوییم یک جهاد سازندگی، **موسوم کنیم این جهاد را به «جهاد سازندگی» که همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسین و متخصصین، شهری و دهاتی، همه با هم باید تشریک مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است بسازند.** و البته آن جاهایی که بیشتر خرابی هست؛ مثل آنجاهایی که روستاها، جاهایی که مسکن عشایر هست، دهات دورافتاده که تقریباً هر کدام از گروهها می‌آیند، شکایت از وضعشان دارند، می‌گویند برق نداریم، خانه نداریم، آب نداریم، اسفالت نداریم، بهداشتی نداریم؛ و همه هم صحیح می‌گویند. بنا بر این بوده است که اینطور ایران را خراب کنند. و الآن که - بحمدالله - آن سد شکسته شد، برای مرحله ثانی، که مرحله سازندگی است، **ما دستمان را پیش ملت دراز می‌کنیم، و از ملت می‌خواهیم که همه در این نهضت شرکت کنند و همه دست برادری به هم بدهند و این سازندگی و جهاد سازندگی را شروع کنند.** و البته مأمورین دولت در هر جا - آنها هم - مردم با آنها تشریک مساعی کنند. در تحت نظر اشخاص کارشناس، مأمورین دولت کارها را انجام بدهند. و روحانیونی که در همه جا در بلاد - بحمدالله - هستند، در این امر آنها هم تشریک مساعی کنند، نظارت کنند.

و من به همه ملت، به همه اشخاص که در این روستاها و دهات به سر می‌برند، پس از اینکه به همه‌شان دعا می‌کنم و عرض ارادت، یک سفارش دارم. و آن اینکه توجه کنند کسانی که برای ساختن و برای سازندگی و برای جهاد سازندگی در دهات می‌آیند، در روستاها می‌آیند، توجه کنند که مبدا خدای نخواستہ در بین آنها یک اشخاصی نباشد که بر خلاف رویه ملت، بر خلاف اسلام، مسائلی داشته باشند. اگر یک همچو اشخاص دیدند، فوراً آنها را از ده کنار بگذارند، و نگذارند در بین جوانهای ما، در بین روستاییان ما، تبلیغات سوئی بکنند.

ان شاء الله خداوند به همه ملت و به همه کسانی که در این راه تشریک مساعی می‌کنند و این وظیفه اخلاقی - شرعی را ادا می‌کنند، به همه توفیق عنایت کند. همه موفق باشند که در این جهاد شرکت کنند و آن خرابه‌ها را بسازند، و برادران خودشان را کمک کنند؛ که شاید هیچ عبادتی بالاتر از این عبادت نباشد. بلکه من می‌خواهم از اشخاص که برای زیارتها، برای مکه معظمه، برای مدینه منوره می‌خواهند بروند لکن به طور استجاب می‌خواهند بروند، من می‌خواهم از آنها هم تقاضا کنم که شما برای ثواب می‌خواهید بروید مکه مشرف بشوید، می‌خواهید بروید مدینه منوره، عتبات عالیات مشرف بشوید؛ امروز ثوابی بالاتر از اینکه به برادرهای خودتان کمک کنید [نیست] و این سازندگی را همه با هم شروع کنید که ایران خودتان درست ساخته بشود، و برادرهای خودتان نجات پیدا بکنند. خداوند به همه شما اجر عنایت می‌کند، و همان ثوابی را که شما از زیارتها می‌خواهید خداوند به شما در این جهاد خواهد داد. والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته^۱.

^۱ صحیفه امام خمینی، جلد ۸، شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۵۸

سنگسازان بی سنگر

زحمات بی‌وقفه جهاد، این سنگر سازان بی‌سنگر، در دفاع مقدس‌مان از جمله مسائلی است که ترسیم آن در قالب الفاظ نمی‌گنجد. **عشق جهاد در خدمت به اسلام و مردم چشم دل عشاق خدمت به دین و مردم را روشن نموده است. شجاعت دلیر مردان و شیرزنان جهادیمان در جهاد مان علیه کفر و بیداد زبانه‌د خاص و عام است.** وسعت دامنه گذشت و ایثار مردان و زنان جهاد، جنگ و صلح، بزرگ و کوچک، فقیر و غنی این مرز و بوم را فراگرفته است.

جهاد شمایل دنیای آزادی و استقلال در عرصه کار و تلاش و پیکار علیه فقر و

تنگدستی و رذالت و ذلت است. فرزندان عزیز جهادی‌ام به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی - صلی‌الله علیه و آله و سلم - است. اسلامی که غرب، و در رأس آن امریکای جهان‌خوار، و شرق و در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک مذلت خواهد نشاند. اسلامی که پرچمداران آن پابرهنگان و مظلومین و فقرای جهانند و دشمنان آن ملحدان و کافران و سرمایه‌داران و پول‌پرستانند. اسلامی که طرفداران واقعی آن همیشه از مال و قدرت بی‌بهره بوده‌اند؛ و دشمنان حقیقی آن زراندوزان حيله‌گر و قدرت‌مداران بازیگر و مقدس‌نمایان بی‌هنرند. شما عزیزان با خدمات شایسته خود در پشت جبهه‌ها، چون جبهه‌ها، دل امام زمان - روحی له‌الفداء - را شاد کرده‌اید.

امیدوارم از سیاست صخره‌های سخت «نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی» عبور کنید که اگر ایران را بر پایه استقلال واقعی پایه‌ریزی نکنیم، هیچ کاری نکرده‌ایم. چشم امید من به شما سازندگان پر شور و نشاط اسلامی است.^۲

چهره‌های نورانی جهادگران

من تشکر می‌کنم از خدای تبارک و تعالی که در این روز با شما عزیزانی که برای این کشور زحمت می‌کشید و برای سازندگی محرومان رنج می‌برید مواجه هستیم و از چهره‌های نورانی عزیز شما بهره می‌بریم. خدای تبارک و تعالی این زحمتهای طاقتفرسای شما عزیزان را هرگز فراموش نخواهد کرد. شما عزیزان، چه قشر روحانی و چه قشرهای عزیز دیگر در این مدت طولانی چه رنجها بردید و چه خدمتهای شایسته در سرتاسر کشور، در جبهه و پشت جبهه تقدیم خدای تبارک و تعالی کردید. **آنهايي که برای یک مستمند و یک مؤمن خدمت بکنند آن همه اجر پیش خدا دارند. و شما که برای میلیونها مستمند و میلیونها مستضعف خدمت می‌کنید جز خدای تبارک و تعالی کسی نمی‌تواند احصا کند اجر شما را.** و من امیدوارم که با همین عزم راسخ و با همین قدم الهی به کار خودتان ادامه بدهید، و توجه به اینکه مردم درباره شما چه می‌گویند، مخالفین درباره شما چه می‌گویند، نداشته باشید. شما اخلاص داشته باشید و برای خدا به بندگان خدا خدمت کنید و ثنا و اجر را از او طلب کنید که او جزای شما را و اجر شما را عطا می‌فرماید.^۳

خدمت‌گزاری به طوایف ضعیف

و اما جهاد سازندگی؛ من از همه برادرها و خواهرهایی که در این راه مجاهده کردند و می‌کنند و گاهی من در تلویزیون می‌بینم که اینها کارها انجام می‌دهند. و بسیار از این جهت من خرسند می‌شوم که ببینم برادرها و خواهرها نسبت به طوایف ضعیف خدمت‌گزاری می‌کنند؛ و این اسباب این می‌شود که قدرتشان را چند برابر کند. وقتی که ببینند شماها می‌روید در آنجا برایشان کار می‌کنید، آنها هم خودشان تشویق می‌شوند به اینکه کارهای زیادتر بکنند. و امیدوارم که با همین قدرتها - که قدرت اسلام است؛ یعنی آن قوه اسلام از اول همراه بوده است که کارها را تا اینجا رسانده، و بعدها هم ان شاء الله خواهد رساند.

از این حس تعاونتان خیلی حظّ می برم. و خیلی میل هم من خودم داشتم که بروم یک دفعه در این جهاد سازندگی من هم خدمت بکنم. اما خوب، من محذوراتم زیاد است؛ و خدمتی هم از من نمی‌آید دیگر. خدمت من همین است که دعا کنم به شما^۴.

این مهج سراسر کشور را بگیرد

الآن هر جا بروید می‌بینید که انسانهایش غیر آن انسانهایی‌اند که بودند. همین جوانهایی که آن وقت کشیده می‌شدند طرف شمیران و آن قضایای شمیران، حالا کشیده می‌شوند طرف جاهایی که جهادسازندگی است. همین، همین جوانها. همان زنهایی که آن وقت - هیچ - بی تفاوت بودند راجع به کشور خودشان، راجع به همه چیز، همین‌ها هم وارد شدند در میدان و دیدیم که خوب هم می‌توانند انجام وظیفه بکنند. این یک تحول روحی بود که با دست خدای تبارک و تعالی و اراده خدای تبارک و تعالی برای نجات ملت ما آمد، و ما متحول شدیم از یک صورتی که آن طور بود به یک صورت دیگری. از امریکا یک عده جوان، چند روز، چند وقت پیش از این، آمده بودند که ما آمدیم برای جهاد سازندگی، این یک تحولی است. جوان در امریکا - برای، عرض بکنم که - بیاید، از آنجا راه بیفتد، که برود توی دهات اینجا برای جهاد سازندگی. من به آنها گفتم که شما - البته هم آنها هم شماها فرق ندارد البته - شما نمی‌توانید مثل رعیتها بروید و کار بکنید، شما یک جور دیگر زندگی کردید؛ اما این را بدانید که وقتی این رعیت، این کشاورز، دید از امریکا یک عده محصل، یک عده مهندس، یک عده دکتر، آمدند توی صحرای مثلاً کجا مشغول شدند به درو. این یک قدرت فوق‌العاده‌ای به آنها می‌دهد؛ یعنی آنها امیدوار می‌شوند به مملکت خودشان؛ امیدوار می‌شوند به - عرض می‌کنم که - نظام خودشان. آن قدرتی که آنها دارند، و فرض کنید در یک روز پنج ساعت، شش ساعت، کار می‌کنند، اینکه شما حالا آمدید و رفتید و آنها چشمشان به شما افتاد، ده ساعت کار می‌کنند. آنی که یک جریب زمین را درو می‌کرد، حالا دو جریب زمین را درو می‌کند. ضمیمه کنید به

اینکه وقتی چشم این کشاورزها بیفتد که یک عده زنها از توی خانه‌هایشان در آمدند، کسانی که خوب هیچ اهل این کار نبودند که بروند در جهاد سازندگی و بروند با رعیتها شرکت کنند در درو، وقتی که ببینند اینها که یک همچو جمعیتی، زنها آمدند برایشان دارند کمک می‌کنند، این ارزشش پیش آنها خیلی زیاد است. واقع ارزش هم زیاد است، ولو کارش کم است، نمی‌تواند یک زن یک کار مثبت زیادی انجام بدهد، لکن ارزش زیاد است. کارهایی که الآن می‌شود کارهای ارزشداری است. در نظر من بسیار بعضی از این کارها ارزشدار است ولو کم باشد، ارزشش زیاد است؛ یعنی کم‌کم این اسباب این می‌شود که زیاد بشود این، و موج پیدا بکند و سرتاسر کشور را بگیرد.^۵

من دلخوشم به همچو تحولی

من دلخوشم به اینکه یک همچو تحولی در ایران، در همه قشرها، شده است. الآن در همین قضیه جهاد سازندگی، خوب انسان می‌بیند که از همه‌جا اشخاصی که هم تحصیلکرده‌اند، خصوصاً خانمها، اینها - همین امروز هم در یک مصاحبه‌ای که بود من گوش کردم - دیدم که می‌گویند که ما از اول آفتاب می‌رویم سراغ کار تا غروب. این یک مسئله‌ای است که یک تحولی است پیدا شده است، یعنی همه با اشتیاق و احساس اینکه باید برای مردم کار بکنیم مشغولند و مسلماً در شما هم همین معنا هست. شکی نیست که حالا دیگر با اینکه یک الزامی و - یک، عرض کنم - یک اجباری، اینها نیست، خودتان داوطلبید و مشکلاتی اگر هست، خودتان مشکلات را رفع می‌کنید. بنابراین **آن چیزی که مایه دلخوشی ماست این است که این**

تحول اسلامی که با دست خدا پیدا شده است و کسی نمی‌توانست یک همچو تحولی

ایجاد کند، خصوصاً تحولات روحی که از امریکا یک عده‌ای جوان چند روز، چند وقت پیش از این آمدند که ما آمدیم برای همین جهاد سازندگی و برویم به دهات. من به آنها گفتم که خوب، من می‌دانم که شماها اهل اینکه بتوانید با یک قدرتی درو بکنید یا بنایی بکنید یا همچو

^۵ صحیفه جلد ۱۰

چیزی راه، همچو قدرتی ندارید؛ لکن متوجه باشید که کار شما چه کار ارزنده‌ای است. شما وقتی که از امریکا آمدید و رفتید در روستای فلان، و مردم دیدند که یک دسته از جوانهای تحصیلکرده امریکا که شاید بعضی‌شان هم مهندس و بعضی‌شان دکتر باشند آمده‌اند درو می‌خواهند بکنند، این یک روحیه بزرگی به مردم اعطا می‌کند که آن رعیتی که امروز یک جریب [۲] را مثلاً درو می‌کرده فردا دو جریب را درو می‌کند، این قدرت می‌خواهد.

خیال نکنید که ما کارمان کم است، نه، کار شما از حیث معنویت خیلی زیاد است. وقتی این رعیتها که تا حالا هرچه دیده بودند هی یک سربازی برود یا یک ژاندارمی برود و اذیت کند، همین را دیده بودند، یا آخادی کند، حالا ببینند که یک دکتری، یک مهندسی، یک محصلی می‌رود، چه از مرکز اینجا، چه از خارج، می‌رود و به اینها کمک می‌کند، اینها تا کنون به چشمشان نخورده بود که یک دسته از خانمهایی که در شهرستان زندگی کرده‌اند، بروند توی این جمعیتهایی که دارند درو می‌کنند همراه آنان درو بکنند، همچو چیزی به چشمشان نخورده بود، به خیالشان نمی‌آمد، حالا وقتی که می‌بینند یک همچو حس انسانی پیدا شده است و این در سایه اسلام پیدا شده و قدرتهای ظاهری نمی‌تواند یک همچو تحولی را بدهد، تحول اسلامی و انسانی است، این آنها را همچو دلخوش می‌کند، که کارهاشان و قدرتشان را چند مقابل می‌کند. بنابراین یک تحول انسانی و تحول روحی حاصل شده است که این موجب طمأنینه انسان است؛ موجب اطمینان است. و من امیدوارم که این محفوظ بماند و ملت ما همین طور که حالا زنده هستند زنده بمانند و این مملکت را با این زندگی، با این هوشیاری، مملکت را به پیش ببرند؛ به طوری که افراد خودشان دیگر راه خودشان را پیدا کرده باشند که با فقدان اشخاص، هیچ خللی وارد نشود.

باید همه دست به هم بدهند

باید همه دست به هم بدهند کمک بکنند. همین جهاد سازندگی یک کمک بزرگی است، که اینها در همه چیز کمک باید بشود، و همه قشرها باید کمک بکنند، تا این مملکت را نجات بدهند. یک مملکتی که بخواهید از خودتان باشد و دیگر نتوانند در آن دخالت کنند، اول باید آن چیزی که مربوط به ارزاق خودتان است، احتیاج از حیث رزق، ما به دیگران نداشته باشیم؛ نان ما را دیگران ندهند. آخر برای ما عیب است که ما بنشینیم و نانمان را دیگران بگویند که ما به شما می‌دهیم، یا ما به شما نمی‌دهیم. باید خودمان تهیه کنیم، و این به این است که کشاورزی را توسعه بدهیم. اگر قبلاً کم کاری می‌کردند، حالا زیادتیر کار بکنند. اشخاص کمک کنند به آنها، و دولت کمک شایان به آنها بکند، و از همه اطراف کمک بشود، تا این کشاورزی بخوبی راه بیفتد. وقتی که راه افتاد، ما احتیاجمان را از غیر در جهت اقتصاد بریده بشود، آن وقت در همه کارها می‌توانیم با آنها مقابله کنیم،^۷

شرکت همه طبقات در سازندگی کشور

من از این جهت خوشحالم که یک تحولاتی در این آخر، در این یکی دوسال آخر، و خصوصاً در این انقلاب، یک تحولات روحی پیدا شد در این محیط. از آن جمله این قضیه شرکت همه طبقات روشنفکر و دانشمند و طیب در جهاد سازندگی سابقه ندارد. اینکه مثلاً خانمهایی که باید مشغول - فرض کنید - کارهای دیگری باشند وارد بشوند در جهاد سازندگی؛ بروند توی بیابانها گندم بچینند. این یک عملی است که، گرچه البته نه این خانمها و نه شما آقایان کار زیادی نمی‌توانید بکنید، برای اینکه قدرت این را ندارید، رعیتها می‌توانند این کارها را بکنند، اما این یک عملی است که قدرت می‌دهد به این کارگراها. وقتی کارگر دید که یک خانم شهری آمده است دارد برای او کار می‌کند، کارش چند برابر می‌شود؛ قدرتش چند برابر می‌شود. این را کم حساب نکنید. وقتی که آنجا بروید چند تا خوشه گندم را درو بکنید، آن

رعیت که در یک روز مثلاً یک جریب زمین را درو می‌کرد فردا دو جریب زمین را کار می‌کند. قدرت پیدا می‌کند. می‌بیند که ارزش دارد، برای کار خودش ارزش قائل می‌شود. می‌بیند همه طبقات، کسانی که باید در مدارس مشغول تحصیل باشند، در مطبها باشند [حالا] آمده‌اند اینجا و مشغول گندم چیدنند و مشغول کار کردند. این یک روحی به جامعه می‌دهد. این تحولات است که به آن امید است. این تحولات روحی که در ملت پیدا شده، و نظیرش هم زیاد است که من حالا دیگر وقت تشریحش را ندارم، این تحولات اسباب این می‌شود که یک وضع دیگری ما ان شاء الله پیدا بکنیم تغییر بکنید ان شاء الله^۸.

همه قشرها تحت لوی جهاد سازندگی

اگر مؤمنین، طوایف مختلفه‌ای که در اسلام هستند و همه هم مؤمن به خدا و پیغمبر اسلام هستند، اینها با هم برادر باشند، همان طوری که برادر با برادر نظر محبت دارد، همه قشرها با هم نظر محبت داشته باشند، این علاوه بر اینکه یک اخلاق بزرگ اسلامی است و نتایج بزرگ اخلاقی دارد، یک حکم بزرگ اجتماعی و نتایج بزرگ اجتماعی دارد. شما ببینید که در همین برهه از زمان که اسلام در اینجا یک سایه ضعیفی انداخته است، این «برادری» که مقدار ناقصی الان در ایران ایجاد شده است، چه آثار رحمتی هست در آن و چه انعکاس رحمانیت الهی در این کشور هست. **این جهاد سازندگی که همه قشرهای ملت را در تحت لوی خودش قرار داده است و جوانهای ما از هر قشری در این جهاد سازندگی وارد می‌شوند، این اثر آن اخوت اسلامی است که دارند.** اینها برادر هستند؛ توی کشور با هم برادر هستند و لهذا، با نظر برادری به هم نگاه می‌کند. و اخوت اسلامی اقتضای این را می‌کند که در این جهت اجتماعی همه با هم کمک کنند و این کشوری که از خودشان هست همه آباد کنند آن را و پاکسازی کنند آن را و بسازند آن را^۹.

^۸ صحیفه جلد ۹، ۱۴ شهریور ۱۳۵۸

^۹ صحیفه جلد ۱۳، ۲۷ مرداد ۱۳۵۹

همه جای مملکت مشغولند به خدمت

شما دیدید که همچو که این ورق برگشت و اینها به همت همه قشرهای ملت شکست خورده از اینجا رفتند، این ملت عزیز ما چطور زنده شدند. چطور متبدل شدند به یک موجود دیگر. چطور همه‌شان مشغول شدند به خدمت. **الآن شما در هر جای مملکت که بروید می‌بینید که مشغولند به خدمت کردن [و] جهاد سازندگی کسی نرفته الزامشان کند. خودشان داوطلب از توی مدارس، از توی جاهای دیگر می‌روند و خدمت می‌کنند به مردم^{۱۰}**

دولت و ملت کنار هم

الآن ملت طوری است که اگر برای دولت مشکلی پیدا بشود، خود ملت پیشقدم می‌شوند برای رفع اشکال. الآن که دولت نمی‌تواند این گرفتاریهایی که ملت ما پیدا کرده است به واسطهٔ رژیم سابق همهٔ اطراف او را حل بکند، ملت ما ریختند و در همهٔ قشرها دارند کمک می‌کنند، همین امروز، قبل از آمدن آقایان، اشخاصی که در جهاد سازندگی در خود قم مشغول فعالیت هستند، آمدند پیش من و فعالیتهایی که خودشان کرده بودند بدون اینکه از دولت هم کمکی باشد، برای من شمردند، که بسیار زیاد بود. چه قدر ساختمان، و چه قدر درو کردن گندمها و زراعتها برای کشاورزها، و چه قدر حمام، و چه قدر بهداری، و امثال اینها. این ملتی که کشور خودش را از خودش می‌داند و دولت خودش را هم از خودش می‌داند. وقتی که کشور از خودش شد و دولت از خودش، نه دولت احساس این را می‌کند که باید با سرنیزه با ملت رفتار کند؛ و نه ملت می‌ترسد که دولت همچو کاری بکند، و [نه] احساس این را می‌کند که اجنبی است، و اگر خدمت به او کند خدمت به اجنبی است. شما این دو حال را ملاحظه کنید. آن حال، حالی بود که ملت از دولت جدا بود. و این حالی است که ملت از دولت جدا نیست. این حال؛ همانی است که اسلام می‌خواهد که دولتها خدمتگزار ملتها باشند^{۱۱}.

^{۱۰} صحیفه جلد ۱۱، ۲۸ آذر ۱۳۵۸

^{۱۱} صحیفه جلد ۱۰، ۱۰ آبان ۱۳۵۸

همه مسائل به دست خودتان حل می‌شود

در هر صورت، من از شماها متشکرم. و از این مادرها و برادرها که در جهاد سازندگی هستند و زحمت کشیدند خیلی تشکر می‌کنم. من وقتی که در تلویزیون این جهاد سازندگی را ارائه می‌دهند ... بعضی از جاهایش را که می‌بینم خیلی خوشحال می‌شوم.

من امیدوارم که خود ملت هیچ اتکال به قوای دیگر نکنند؟ خود ملت مشغول بشوند به اصلاح کارهایشان. و امیدوارم که با وحدت کلمه ملت و با پشتکارشان کارها اصلاح بشود و مملکت ما سر و سامان پیدا کند. و مطمئن باشید و مطمئن باشید که با این وضعی که الان شما دارید که خانمهایی که باید مثلاً در شهرها باشند و به رفاه - به قول آن سابقها باشند - حالا می‌روند در دهات و در جهاد سازندگی وارد می‌شوند. مهندسین می‌روند؛ اطبا می‌روند؛ تحصیلکرده‌ها می‌روند. و این همدردی که پیدا شده است در بین ملت ما اسباب اطمینان است که ان شاء الله مسائل حل بشود و ما بر همه مشکلات غلبه کنیم. و ان شاء الله اطمینان داشته باشید که شما پیروز هستید. همه مسائل به دست خودتان حل می‌شود.^{۱۲}

مشارکت همگانی در جهاد سازندگی

الآن همه ما که در اینجا مجتمع هستیم، همه ما باید با هم دست به هم بدهیم که این مرحله اصلی را، اینها را محقق کنیم؛ مراحل بعد آسان است دیگر. مهم این است که این مراحل بگذرد؛ که مملکت ما یک حکومت مستقر پیدا بکند، یک رئیس جمهوری پیدا بکند، یک مجلس شورا پیدا بکند، که اساس حکومت که اصل است تحقق پیدا بکند، بعد برویم سراغ اینکه گرفتاری داریم. و الآن هم دولت در صدد این است که به طور گسترده در همه جا مشغول بشوند به پاکسازی، و مشغول بشوند به کار. که همین امروز هم پیامش را ما خواهیم داد به همه ملت،

که جهاد سازندگی یک کاری است که باید بشود، و همه ملت، همه مردم موظفند که در کار شرکت کنند؛ و اگر با همه ملت این کار شروع بشود، ایران بعد از چندی یک ایران آباد ان شاء الله خواهد بود.^{۱۳}

بازوی تهنانی انقلاب

جهادسازندگی در کشوری که با دست جنایتکار رژیم منحوس پهلوی و توطئه‌های سرسپردگان خارجی و داخلی به ابرقدرتها، خصوصاً امریکای جهانخوار، به تباهی کشیده شده است می‌تواند بازویی توانا برای انقلاب اسلامی در ساختن کشور باشد. شوراهای سراسری جهاد، امید است در سازندگی معنوی خویش با اتکا به خداوند تعالی و مددخواهی از حضرت بقیه‌الله - ارواحنا له الفداء - موفق [باشند]، تا در جهاد سازندگی و راهنماییهای خویش موفقتر به سازندگی هر چه والاتر کشور اسلامی گردد. با تقدیر و تشکر از خدمتهای ارزنده این نهاد، توفیق و تأیید همگان را در ادامه این خدمت ارزشمند از خداوند بزرگ مسئلت می‌نمایم.^{۱۴}

ایشانگران جهادسازندگی

براستی فرزندان اسلام، خواهران و برادران ایثارگر، با عضویت در این نهاد انقلابی، با فداکاری بی‌نظیر خود در میان دشوارترین شرایط زندگی و سخت‌ترین مناطق جغرافیایی کشور توانستند در مدتی کوتاه، اینهمه آثار زنده و ارزنده را در تمام ابعاد برای مردم ستمدیده ایران به ارمغان آورند. کم نیستند جهادگرانی که در راه بهبود زندگی مردم محروم و مستضعف ما شهید و یا معلول گردیده‌اند و کم نیستند خواهران و برادرانی که در بدترین شرایط، دست به اقدامات فرهنگی و عمرانی زدند و به بدترین شکل به دست گروه‌های از خدا بیخبر و منافقان دنیاپرست شهید گردیدند. چرا که این از خدا بیخبران خوب فهمیدند که این جوانان جهادگرند که بذر انقلاب را در دل هر روستایی می‌کارند، و با آبادانی مناطق محروم است که هر روستایی و

^{۱۳} صحیفه جلد ۱۸، ۲۶ خرداد ۱۳۵۸

^{۱۴} صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۱۶

شهری محروم، سربازی می‌شود پاسدار انقلاب اصیل اسلامی خویش؛ چرا که امریکا و ایادی مزدبگیرش، خوب به این نتیجه رسیده‌اند با جهاد مقدس فرزندان اسلام است که نهال انقلاب اسلامی در روستاها و شهرهای دورافتاده این آب و خاک به گل می‌نشیند. و تنها به همین دلیل است که هر جهادگری را مانند رزمنده‌ای در میدان نبرد می‌دانند که از انقلاب و اسلام و ایران دفاع می‌نماید.

نقش جهادسازندگی در جنگ، کمتر از نیروهای نظامی نبوده و نیست، و این اقراری است مکرر از سوی فرماندهان ارتشی و سپاهی ما که اگر جهاد نبود پیروزی با این سرعت به دست نمی‌آمد. باید اعتراف کرد که اینان بزرگترین آبرو را به انقلاب اسلامی خود داده‌اند و با تعهد به اسلام و ایمان به خدای تعالی در این راه بهترین نمونه و الگو برای همه جوانان مسلمان و متعهد اسلامی گردیدند. **امروز در گوشه و کنار کشور و در میان دور افتاده‌ترین روستاهای محروم و بد آب و هوا که قدم بگذارید با ایثارگران جهادسازندگی مواجه می‌شوید که خیلی زودتر از شما خود را بدانجا رسانده‌اند و با نداشتن امکانات لازم، با هر وسیله‌ای که در اختیار داشته و دارند، با تمام وجود در از بین بردن کمبودها و مشکلات و بیماریها و نارساییهای مردم کوشش می‌نمایند، و در بسیاری از موارد برای ایجاد وسایل رفاهی از ایثار جان خود دریغ نکردند.**

من هر گاه از نزدیک با جوانانپرشور و پرتحرک جهاد سازندگی مواجه می‌شوم و یا در وسایل ارتباط جمعی آثار ارزنده فرهنگی و عمرانیانان را شنیده و یا می‌بینم، از دل برای موفقیت و سربلندی آنان دعا می‌کنم. آفرین بر شما که اینگونه به اسلام و انقلاب اسلامی آبرو دادید. درود بر شما که برای تحقق آرمانهای ملت‌مسلمان و انقلابی ایران و برای پیاده کردن برنامه‌های اسلام عاشقانه به استقبال شهادت شتافته‌اید و علی‌رغم تبلیغات واهی دشمنان، اختلاف زبان و لباس مانع تلاش فردی و جمعی شما در این راه نگردیده است، و هم اکنون مشاهده می‌کنید که چگونه با لباسهای محلیو زبانهای قومی دست در دست یکدیگر در این گردهمایی مهم شرکت جسته‌اید. امیدوارم همان گونه که در راه سازندگی کشور تمام نیروهای مادی و معنوی خود

را به کار بسته‌اید، از سازندگی خود و دیگران نیز که مقدّم بر همه سازندگیهاست، غفلت نکنید، و همان‌گونه که بارها یادآوری کرده‌ام سازندگی روح را بر سازندگی جسم مقدّم دارید تا به خواست خدای تعالی با نیروی ایمان، کارها به بهترین و سریعترین وجه پیش رود، و هر چه زودتر با کمک خداوند و یکدیگر این کشور را به خودکفایی و آبادی کامل برسانیم^{۱۵}،

زحمات چشمگیر جهاد سازندگی

از زحمات جهاد در روستاها و جبهه‌ها تشکر و تقدیر می‌نمایم. کراراً درباره زحمات جهاد در جبهه‌ها گفته‌ام. **زحمات جهاد در سراسر ایران چشمگیر و مورد تصدیق همه ما بوده‌است.** توجه کنید که کارهایتان برای خدا باشد. شما از خدا پاداش بخواهید نه از دولت و ملت. باید کاری کنیم که او راضی باشد.

اما راجع به بودجه جهاد، ان‌شاءالله وقتی وزیر تعیین شد، تجدید نظر لازم را می‌نماید. من هم سفارش می‌کنم که ان‌شاءالله دولت به محرومین نظر بهتری بنماید. کار در روستاها بسیار ارزشمند است. در سابق به روستاها هیچ‌نمی‌رسیدند و کار اساسی برای روستاها نشده بود. و امروز هم اگر پشتوانه مردم نبود، دولت توان رسیدگی به تمام روستاها را پیدانمی‌کرد. امروز بحمدالله با همت جوانها وضع روستاها رو به بهبود است.

ایران کشوری است که باید کشاورزی‌اش اساس همه کارها باشد. آن عده‌ای که می‌گویند از نظر کشاورزی نمی‌شود خودکفا شد، اطلاع دقیق ندارند. روستاییان هم سعی کنند به شهرها نیایند و در روستاهای خود بمانند. چون آنها کهنمی‌خواهند مثل بالا شهریه‌های ما زندگی کنند، پس در روستاها بمانند. ان‌شاءالله دولت به وضع آنها رسیدگی می‌نماید. ان‌شاءالله جهادسازندگی

بتواند محرومیت‌هایی را که روستاییان دارند بتدریج رفع نماید. جهاد هم خوب عمل کرده است. وقتی دست در دست یکدیگر دهید ان شاء الله تمامی کارها به صورت خوبی انجام می‌گیرد^{۱۶}.

جهاد با نفس، جهاد اکبر

کشور ما و ملت ما احتیاج به سازندگی دارد. سازندگی‌های روحی مقدم بر همه سازندگی‌هاست. جهاد سازندگی از خود افراد باید شروع بشود و خودشان را بسازند و با شیطان باطنی جهاد کنند که این جهاد منشأ همه جهادهایی است که بعد واقع می‌شود. انسان تا خودش را نسازد نمی‌تواند دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند، نمی‌شود که کشور ساخته بشود. جهاد سازندگی از خود آدم باید شروع بشود.

جهاد نفس، جهاد اکبر است. برای اینکه همه جهادها اگر بخواهد نتیجه داشته باشد و بخواهد انسان در جهادها پیروز بشود موقوف به این است که در جهاد نفس پیروز باشد. اگر انسانها توجه به خودشان داشته باشند، جهاد نکرده باشند با شیطان خودشان، اینها واحد واحدهایی هستند که علاوه بر اینکه نمی‌توانند اصلاح جامعه را بکنند، فساد هم در جامعه می‌کنند. همه فسادهایی که در عالم واقع می‌شود، برای این است که آن جهاد واقع نشده؛ آن جهاد اکبر واقع نشده. تمام این گرفتاریهایی که بشر دارد از دست خود بشر دارد. بشر است که به بشر جنایت وارد می‌کند. سایر موجودات، سایر حیوانات ولو سبع هم باشند، آن قدری که بشر جنایت می‌کند آنها نمی‌کنند. این بشر است که چون اصلاح نشده است و جهاد سازندگی نکرده است، این از همه حیوانات سبتر است. هیچ سبعی مثل انسان نیست. و هیچ حیوان دیگری هم به پای این حیوان نمی‌رسد.

باید خودمان را بسازیم. خودتان را که بسازید همه کارهایتان جهاد سازندگی است. هر کاری بکنید دیگر در حیطة جهاد وارد شده‌اید شما. شما مجاهد هستید

^{۱۶} صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۱۸

دیگر. کارهای مجاهد کارهای جهادی است. کوشش کنید که این جهاد سازندگی را در خودتان ایجاد کنید. یعنی، مشغول بشوید به این کار^{۱۷}.

جهادسازندگی، سازندگی باشد

شما آقایان که در جهاد سازندگی هستید توجه کنید که جهاد سازندگی، سازندگی باشد، در آن تخریب نباشد، در آن انحراف نباشد. اگر جهاد سازندگی در آن انحراف نباشد و برای خدا باشد این همان جهادی است که توأم با جهاد اکبر هم هست.

من ضمن تقدیری که از تمام شما جوانان و جوانان سرتاسر کشور که در جهاد سازندگی هستید و زحمت می‌کشید، لکن از شما می‌خواهم که در ضمن جهاد سازندگی جهاد نفس هم داشته باشید. اگر این کاری را که انجام می‌دهید برای خدا خالص بشود جهاد نفس هم تحقق پیدا کرده است^{۱۸}.

نقش زنان در سازندگی کشور

چنانچه در این جهاد سازندگی که گاهی وقتها می‌بینیم خانمها هم رفتند و مشغول شدند، خوب، البته از خانمها ساخته نیست که مثل یک رعیتی، مثل یک اشخاصی که ورزیده‌اند در آن امور کار کنند، لکن همان رفتنشان در بین این رعایا و بین این کشاورزان، همان رفتن و اشتغال پیدا کردن به همان مقداری که می‌توانند، این باعث این می‌شود که قدرت آنها چند مقابل می‌شود. وقتی آنها ببینند که از شهرها خانمهای محصل، خانمهای محترم، آمدند و در دهات مشغول کمک هستند به برادرهای خودشان، قدرت آنها چند مقابل می‌شود. و این یک عمل بسیار ارزنده‌ای است. ولو عمل خودش به حسب حجمش کوچک باشد، لکن حجم معنویش خیلی زیاد است. چنانچه رفتن محصلین مدارس مردانه هم در بین همین رعیتها و در بین همین

^{۱۷} صحیفه جلد ۱۱، ۲، دی ۱۳۵۸

^{۱۸} صحیفه جلد ۱۲، ۲۷ خرداد ۱۳۵۹

کشاورزها هم یک قدرتی به آنها می‌دهد. وقتی ببینند که همه قشرها پشتیبان هستند، از این پشتیبانی، آنها قدرتشان خیلی زیاد خواهد شد^{۱۹}.

لزوم عمل به قوانین و مقررات

و اما قضیه جهاد سازندگی که شما آقایان از این جهاد سازندگی هستید و کار پر ارزشی شما دارید، باید توجه داشته باشید که علاوه بر اینکه جهاد سازندگی می‌کنید، جهاد با نفس خودتان هم بکنید. اگر - خدای نخواستہ - در این جهاد سازندگی یک کاری بشود که برخلاف مصلحت اسلام است، برخلاف مصلحت انقلاب است، اسباب دلسردی مردم می‌شود. خدای نخواستہ، اگر بعضی از اشخاص غافل یقوکت یک عملی بکنند برخلاف مقررات دولت اسلامی و بخواهند یک شلوغکاری بکنند، اینها جهاد نفس نکرده‌اند و جهاد سازندگی اشان هم مفید نیست. باید شما آقایانی که یک همچو عمل بسیار شریفی را متکفل هستید و ارزنده است این عمل شما پیش اسلام، باید توجه بکنید که آن اخلاق اسلامی که اخوت اسلامی است و برادری است و برابری است، این را ملاحظه کنید. و مبدا یقوکت در یک جایی برخلاف مقررات و برخلاف نظم عمل بکنید. این یک امری است، برای همه کشور ما هست، برای همه نهادهای کشور ما هست که باید انتظام و نظم را و مقررات جمهوری اسلامی و مقررات حکومت اسلامی را باید موبه مو دریافت کنند و موبه مو عمل کنند و برخلاف مقررات عمل نکنند^{۲۰}.

باید عرضه کنید کارهاتان را

باید عرضه کنید کارهاتان را به ملت، و بفهمانید به ملت. اینها افتادند دنبال این مطلب که ما بوس کنند ملت را از این نظام جدید. بگویند «حالا هیچ کاری نشده است، هیچ در آن وقت نبوده، حالا هم نیست». باید شما با تبلیغات خودتان، با عرضه خودتان کارهایی که انجام می‌دهید، ملت ما باید آن کارهایی که انجام می‌دهید و ما می‌بینیم که مهندسین‌شان، اطباءشان،

^{۱۹} صحیفه جلد ۱۰، ۱۷ مهر ۱۳۵۸

^{۲۰} صحیفه جلد ۱۳، صفحه ۱۳۴

دکترهایشان می‌آیند می‌روند در همین جهاد سازندگی کار می‌کنند برای مردم و سازندگی می‌کنند، لکن چون عَرَضه نمی‌شود درست، آن دسته خائن – آن دسته‌ای که برای دیگران کار می‌کنند – افتادند به اینکه «کاری نشده است، هیچ کاری نشده است، این رژیم هم مثل رژیم سابق است». در صورتی که هیچ شباهتی این جمهوری اسلامی با رژیم سابق، هیچ شباهتی ندارد^{۲۱}.

همت والا در جهاد سازندگی

من بعد از این نهضت و انقلابی که نسبتاً الحمدلله به پیروزی رسید و قدم اول را ملت بزرگ ما برداشت، در این کارهایی که به دست ملت بعد انجام گرفت، از جهاد سازندگی خیلی خوشم می‌آید. هر وقت که تلویزیون نشان می‌داد که خواهرها و برادرها از همه طبقات مشغولند به یک عملی برای کشور خودشان، من خوشحال می‌شدم. باید شماها توجه داشته باشید که نگاه نکنید هی به اینکه اداره چه می‌کند، دولت چه می‌کند. آنها مشغولند، منتها نمی‌توانند آنقدری که ایران احتیاج دارد آنها عمل کنند. ایران مال خود شماست و خود شما باید او را بسازید. و اگر همه ملت در این امر، در امر سازندگی همت نکنند کارها زمین می‌ماند.

شما جوانها را حفظ کنید که همچو همت والایی دارید که می‌روید در جهاد سازندگی و زحمت می‌دهید به خودتان. لکن برای خداست این. شما خیال نکنید، هر قدمی که الآن بردارید برای کشور اسلامی، این قدم پیش خدا محفوظ است. خیال نکنید که این قوه‌های شما هدر می‌رود. قوای انسان وقتی هدر می‌رود که برای خدا نباشد. آن وقتی که قوا برای خدا کار بکنند هدر نمی‌رود، پیش خداست. و این سازندگی شما ان شاءالله خودتان هم ساخته می‌شوید به آنطوری

که خدای تبارک و تعالی امر فرموده است و انبیا را برای او فرستاده که هم در این جهاد، جهاد نفسی باشد و هم سازندگی برای ملت^{۲۲}

یک تحولی حاصل شده است

الآن یک تحولی حاصل شده است که همه طبقات، مهندسش می‌آید کار می‌کند؛ دکترش می‌آید کار می‌کند. اینهایی که حالا مغزهای انسانی دارند. اینها که مغزهایی ندارند که فرار کنند. آقا! مغزهایی فرار می‌کنند، ما هم یک مغزهایی داریم که با اینکه مغز علمی هستند دارند به مردم کمک می‌کنند؛ دارند می‌روند درو می‌کنند. این مغزها را ما می‌خواهیم؛ نه آن مغزهایی که حالا که برایشان تعیش حاصل نیست فرار کنند. چرا به خود نمی‌آیند اینها؟ چرا اینها نمی‌فهمند مقدار خودشان را و مقدار مملکت ما را؟ ما این مغزهایی را می‌خواهیم که در عین حالی که دکتر است، در عین حالی که مهندس است، می‌رود در جهاد سازندگی و جهاد سازندگی را راه می‌اندازد. ما این مغزها را می‌خواهیم که از امریکا پا می‌شود می‌آید اینجا می‌گوید من آمده‌ام برای کمک؛ نه پا بشود فرار کند از اینجا! این مغزهای فرار به درد ما نمی‌خورد، بگذار فرار کنند^{۲۳}.

به این امر ادامه دهید

جهاد، خدمتگزار مردم محروم و مستمند بوده است. جمعیت و یا ملتی اگر بخواهند موفق باشند، علاوه بر اینکه برای خدا باید کار کنند و از دیگران چشمداشتی نداشته باشند، باید با مردم باشند. بدون مردم نمی‌شود کار کرد و موفقیت حاصل نمی‌شود. سر قضیه، همان طور که خودتان فهمیده‌اید، این است که مردم را نمی‌شود به چیزی توجه داد، مگر توسط روحانیون. و در طول تاریخ هر چه بوده از روحانیون و مردم بوده است. و هر وقت این دو را از صحنه کنار گذاشته‌اند، همه‌اش فساد بوده. و در همین پنجاه سال هم که ما شاهد آن بوده‌ایم، آنچه که ما را در دامن غرب انداخت، این بود که روحانیون و مردم را سرکوب کرده بودند. ان شاء الله، دولت

^{۲۲} صحیفه جلد ۱۲، ۱۷ دی ۱۳۵۸

^{۲۳} صحیفه جلد ۱۰، ۸ آبان ۱۳۵۸

و مجلس آنچه که مصلحت جامعه است در نظر بگیرند و کاری کنند این مستمندانی که در طول تاریخ محروم بوده‌اند را نجات دهند. باید گفتگو شود که - خدای ناخواسته - کاری نشود که جهاد نتواند کاری بکند. من آنچه از جهاد شنیده‌ام، این است که فعالیتهای چشمگیری داشته و بخصوص آنچه در جبهه‌ها انجام می‌دهند، بسیار ارزشمند است. به این امر ادامه دهید. خداوند به شما توفیق می‌دهد^{۲۴}.

این خداست که شما را راه انداخته است

همین روح متحوّل انقلابی است که شما را با بودن همهٔ وسایل پیاده راه می‌اندازد. این خداست که شما را پیاده راه انداخته است. خودمان ملتفت نیستیم این چیزها را یک روحی خدایی به آدم می‌دهد که یک وقت یک همچو کارهایی انجام بدهد.

از امریکا آمده بودند برای جهاد سازندگی، یک دسته از جوانها - شاید عددشان یک قدری کمتر از شما بود - در چند وقت پیش از این از امریکا آمده بودند برای جهاد سازندگی. خوب این یک مسئله است که سابقاً هیچ مطرح نبود این مسائل؛ این مسائل نبود اصلش شما پاشید پیاده راه بیفتید برای اینکه مثلاً در اینجا باشید. این یک مطلبی است که خدا درست کرده است و چیزی که به دست خدا واقع بشود شکست ندارد. ان شاء الله برای شما دیگر شکست نیست. و شما مقابل کفر و زندقه و ستم و چپاولگری ایستادگی کردید و تا اینجا هم پیروز شدید و از این به بعد هم پیروز می‌شوید. و خداوند شما را، همان طوری که این راه طولانی را طی کردید و آمدید، در راههایی که در پیش دارید مثل برق شما را بگذراند^{۲۵}.

عشق جهاد در خدمت به اسلام و مردم، چشم دل
عشاق خدمت به دین و مردم را روشن نموده است.
شجاعت دلیر مردان و شیرزنان جهادیمان در
جهادمان علیه کفر و بیداد زبانزد خاص و عام است.
وسعت دامنه گذشت و ایثار مردان و زنان جهاد،
جنگ و صلح، بزرگ و کوچک، فقیر و غنی این
مرز و بوم را فراگرفته است.

جهاد، شمایل دنیای آزادی و استقلال در عرصه کار
و تلاش و پیکار علیه فقر و تنگدستی و رذالت و
ذلت است. فرزندان عزیز جهادی‌ام به تنها چیزی
که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام ناب
محمدی - صلی الله علیه و آله وسلم - است.



هسته توانمندسازی حرکت‌های جهادی
معاونت‌سازندگی سازمان بسیج دانشجویی
تهران - خیابان طالقانی - تقاطع خیابان مفتح
مجتمع ۱۳ آبان - معاونت‌سازندگی

WWW.JAHADGARAN.ORG
TELEGRAM.ME/JAHADI
INFO@JAHADGARAN.ORG
021 - 88846085

